

Suppression of terrorist crimes in the contemporary battles of the Islamic State of Iraq and the Levant (ISIS)

Payman Nammameyan¹

Abstract

With the increase in committing terrorist crimes, governments in the international community have realized the importance of its global suppression. This is despite the fact that governments' support of terrorist groups in all phases of establishment or activity is the most fundamental component that has caused the deterioration of the effective international cooperation system in facing terrorist crimes. This is confirmed by the terrorist crimes of the ISIS group, whose threatening nature for international peace and security originates from the principle of terrorism as a threat to international peace and security. The United Nations, with its mechanisms, can play an effective role in the fight against terrorism. But, because of the non-cooperation of some member countries and the overt and hidden support of terrorist groups by a number of members, this organization has not achieved much success in fighting against terrorist groups. Therefore, although the terrorist crimes committed by ISIS are clearly stipulated in Articles 5 to 9 of the Rome Statute, but the International Criminal Court has not been able to deal with ISIS terrorist crimes due to the emergence of passive behavior at the global level. So, this issue should be addressed at the internal levels of the governments that involved in the armed battles of ISIS and in their territory by the subject of criminal proceedings.

Keywords: *Contemporary Battles, Islamic State of Iraq and Syria, Terrorist Crimes, ISIS Crimes, Security Council, International Criminal Court, Mixed Courts*

1- Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Law Education Department, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Arak University, Arak, Iran; p-namamian@araku.ac.ir.

سرکوب جنایات تروریستی در نبردهای معاصر دولت اسلامی عراق و شام (داعش)

پیمان نامامیان^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱

چکیده

با افزایش ارتکاب جنایات تروریستی، دولت‌ها در قلمرو جامعه بین‌المللی به اهمیت سرکوب جهانی آن پی برده‌اند. این در حالی است که حمایت دولت‌ها از گروه‌های تروریستی در کلیه مراحل تأسیس یا فعالیت، اساسی‌ترین مؤلفه‌ای است که موجبات تخدیش نظام همکاری مؤثر بین‌المللی در مواجهه با جنایات تروریستی را فراهم نموده است. مؤید این امر جنایات تروریستی گروه داعش است که ماهیت تهدیدآمیز آن برای صلح و امنیت بین‌المللی، از اصل تروریسم به عنوان تهدید صلح و امنیت بین‌المللی نشأت می‌گیرد. سازمان ملل متحد با سازوکارهایی که در اختیار دارد، می‌تواند نقش مؤثری در مبارزه با تروریسم ایفاء کند؛ اما با توجه به عدم همکاری برخی کشورهای عضو و حمایت پیدا و پنهان گروه‌های تروریستی توسط تعدادی از اعضا، این سازمان به توفیق چندانی در مبارزه با گروه‌های تروریستی دست نیافته است. از این رو، به‌رغم اینکه جنایات تروریستی ارتكابی توسط داعش به وضوح در مواد ۵ تا ۹ اساسنامه رُم مقرر شده است، اما دیوان کیفری بین‌المللی با بروز رفتارهای انفعالی در سطح جهانی، امکانی برای رسیدگی به جنایات تروریستی داعش نداشته و این موضوع باید در سطوح داخلی دولت‌های درگیر در نبردهای مسلحانه داعش و در قلمرو سرزمینی، تحت رسیدگی کیفری قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: نبردهای معاصر، دولت اسلامی عراق و شام، جنایات تروریستی، جنایات داعش، شورای امنیت، دیوان کیفری بین‌المللی، محاکم مختلط.

۱- استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه آموزشی حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران؛ p-namamian@araku.ac.ir

مقدمه

طی دهه‌های اخیر، به موازات افزایش جنایات تروریستی در سطح بین‌المللی، لزوم اتخاذ واکنش‌های ضد تروریستی درک شده و کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی تصویب و منعقد گردید. این تدابیر معطوف به الزام دولت‌ها به جرم‌انگاری داخلی، صلاحیت محاکم کیفری ملی و پیش‌بینی تدابیری برای پیشگیری از جنایات تروریستی بوده است؛ اما این روند مبارزاتی به کاهش این پدیده منجر نشد (صابر و صادقی، ۱۳۹۲: ۱۴۸). این در حالی است که امروزه نقض آشکار حقوق بشر، آن‌هم به شکل نقض و تخلف شدید و خشونت‌آمیز از حقوق اساسی بشری، جنایت ضد بشری و تهدیدی علیه صلح و امنیت بشری به شمار می‌آید. این جنایات، اقداماتی خشونت‌آمیز هستند که متضمن نقض یا سلب حقوق اساسی افراد انسانی است. البته این گونه رفتارها اصول کلی حقوقی مشخص را زیر پا نهاده و به کانون توجه و نگرانی جامعه بین‌المللی تبدیل می‌شود (John-Hopkins, 2017: 293)

تهدیدی که تروریسم بین‌المللی برای صلح و امنیت بین‌المللی ایجاد کرده، تهدیدی جدی محسوب می‌شود. آمار موجود حاکی از آن است که این پدیده نسبت به آنچه که اغلب تصور می‌شد، چالشی کم‌اهمیت برای نظم و رفاه جهانی نیست؛ بنابراین باید در کنار دیگر چالش‌های بی‌شمار و متعدد عصر حاضر، مورد اهتمام واقع شود (Anderson, 2009: 331-335)

وقوع حوادث تروریستی در مراکز مهم شهری و پرتردد همانند ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م در نیویورک، ۱۲ اکتبر ۲۰۰۲م در بالی، ۱۱ مارس ۲۰۰۴م در قطار مادرید، ۷ جولای ۲۰۰۵م در لندن، ۲۷ نوامبر ۲۰۰۹م در مسکو، ۲۹ مارس ۲۰۱۰م در قطار مسکو - سنت پترزبورگ، ۲۲ ژوئیه ۲۰۱۱م در اسلو و ۷ ژانویه ۲۰۱۵م در محل دفتر هفته‌نامه مجله شارلی ابدو در پاریس، خود مؤید نقض فاحش و روزافزون قواعد و اصول بنیادین حقوق بین‌المللی‌اند. از این رو، می‌توان حوادث و اقدامات مزبور را به مثابه ظهور شاخه‌ای جدید از تروریسم، موسوم به «تروریسم صادراتی»^۱ تلقی کرد. نمونه این نوع تروریسم را می‌توان در ایجاد گروه داعش یافت که متأسفانه دولت‌های غربی با حمایت‌های نامشروع و غیرقانونی خود از جنایت‌های ضد بشری آن، زمینه ایجاد نقض صلح و

۱- Exporting Terrorism

امنیت بین‌المللی را فراهم کرده‌اند (ر.ک: حسینی، ۱۳۹۳، ص ۵۸۵۵). البته می‌توان قطعنامه ۲۵۶۰ شورای امنیت طی ۲۹ دسامبر ۲۰۲۰م دائر به تهدیدهای صلح و امنیت بین‌المللی ناشی از اقدام‌های تروریستی با ابراز نگرانی شدید خود از حضور، نظام اعتقادی و اقدام‌های داعش و القاعده و حضور روزافزون وابستگان آن‌ها در سراسر جهان و همچنین با یادآوری اهمیت تعهدات دولت‌ها عضو به اساس منشور ملل متحد و تأکید بر تحریم‌ها به‌عنوان ابزار مهم تحت منشور ملل متحد در حفظ و احیای صلح و امنیت بین‌المللی از جمله حمایت از مقابله با جرائم تروریستی را مورد ملاحظه قرار داد.^۱

حقوق بین‌الملل قابل‌اعمال در شرایط نبرد، اغلب در مرکز بحث‌ها در مورد نگرانی‌های نبردها و شرایط خاص امنیتی معاصر قرار دارد؛ اما بندرت به طور مستقیم یا به اندازه کافی به آن پرداخته می‌شود. این دوره درک درستی از حقوق بین‌الملل قابل‌اجرا در انواع مختلف موقعیت‌های نبرد معاصر، مانند نبردهای مسلحانه دولت‌به‌دولت، نبردهای مسلحانه داخلی و عملیات صلح ارائه می‌دهد (Ford, 2019: 85-86). از این رو، جامعه بین‌المللی که با ابزارهای سنتی خود (تحریم‌ها، مداخلات و غیره) - که با ماهیت نبردهای معاصر مناسب نیستند - محدود شده است. حقوق بین‌الملل که در اصل برای تنظیم اقدامات نظامی توسط دولت‌ها طراحی شده بود، برای دستیابی به این هدف تلاش می‌کند و در مورد گروه‌های مسلح غیردولتی کاربرد ضعیفی دارد. از سال ۲۰۰۲م، دیوان کیفری بین‌المللی یک مسیر برای کشاندن جنگ‌سالاران به عدالت ارائه کرده است؛ اما علی‌رغم ده‌ها محاکمه و تحقیقات از زمان تأسیس، اثرات بازدارنده و صلح‌آمیزی مشاهده نشده است. (Bagheri, 2021:174-175).

نبردهای معاصر به ندرت با اعلان جنگ آغاز می‌شود و به ندرت با معاهده‌ای خاتمه می‌یابد تا خشونت را از روزی به روز دیگر متوقف کند. ایجاد صلح، تلاش بلندمدتی است که مستلزم بازسازی بافت اجتماعی و بازسازی دولت می‌باشد؛ مستلزم ایجاد مجدد نهادهای عمومی، اختراع مجدد توانایی برای زندگی مشترک. نبردهای معاصر یا «جنگ‌های جدید» (جنگ‌های داخلی/دولتی) ناشی از مجموعه‌ای متمایز از الگوها و پیروی از آن‌ها است که آن‌ها را از

۱- United Nations Security Council, Resolution 2560 (2020).

«جنگ‌های قدیمی» (جنگ‌های بین‌دولتی) متمایز می‌کند.^۱ به‌دیگر تعبیر، نبردهای معاصر به مجموعه نبردهایی اطلاق می‌شوند که طی سال‌های اخیر با بهره‌گیری از منابع مالی و تجهیزات دولت‌های غربی و برخی دولت‌های متخاصم منطقه خاورمیانه، در قلمرو حاکمیتی و سرزمینی کشورهای نظیر عراق، سوریه و غیره حادث شده است (فیروزی، ۱۴۰۰: ۱۰۲).

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش توصیفی-تحلیلی است که با رویکرد اسنادی و تطبیقی، پیرامون تبیین نبردهای معاصر با تأکید بر مطالعه و سنجش نحوه سرکوب جنایات تروریستی ارتكابی دولت اسلامی عراق و شام (داعش) مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

بیان مسئله

گروه تروریستی موسوم به «دولت اسلامی عراق و شام»^۲ با نام اختصاری «داعش» منشعب از القاعده یک گروه تروریستی مسلح با اندیشه و شیوه سلفی جهادی است که از منظر گرایش‌های عقیدتی و فکری و نیز چارچوب رفتاری، رویکرد یکسانی با القاعده دارد. اعضای آن تشکیل خلافت اسلامی و اجرای شریعت در عراق و سوریه را هدف غایی خود قلمداد نموده‌اند. افزون بر این، رفتارهای این گروه در طول یک دهه اخیر و به‌ویژه طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ م مؤید ویژگی رادیکالی و خشونت‌آمیز بودن آن با القاعده به شمار می‌رود (اسدی، ۱۳۹۳: ۲).

گروه داعش در واقع ادامه تشکیلاتی یک گروه از سلفی‌های جهادی در عراق به رهبری «ابومصعب زرقاوی» می‌باشد. زرقاوی عضو القاعده بود که در سال ۲۰۰۶ م در عراق کشته شد.^۳ او در اعلامیه‌های خود همواره به فتاوی «ابن تیمیه» استناد می‌کرد. خلیفه موصل نیز پیشوای خود را ابن تیمیه می‌داند (عباس‌زاده‌فتح‌آبادی، ۱۳۸۹: ۱۶۹-۱۶۷). ابن تیمیه پدر معنوی همه گروه‌های جهادی است. افکار او روشن و صریح است. او با اندیشه و عقل به کلی مخالف است مگر اینکه

1. <https://www.tcd.ie/sociology/postgraduate/mphil-race-ethnicity-conflict/course-structure-handbook/module-outlines/optional/contemporary-sources-conflict.php>

2. Islamic State of Iraq and Syria (ISIS)

۳- جهت کسب اطلاعات بیشتر راجع به «افکار و عقاید ابن تیمیه پدر فکری مکتب زرقاوی» به آدرس الکترونیکی «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ایران» در ذیل مراجعه کنید:

<http://moscow.icro.ir/index.aspx?siteid=261&pageid=32738&p=53&showitem=11193>

آن فکر و اندیشه در راستای تائید نقل و احادیث باشد. به علاوه، ضمن تحریم هرگونه تعامل با کفار و مشرکین، تفکرات اسلامی شیعیان را نیز مردود و آن‌ها را کافر می‌داند (عمادی، ۱۳۹۳: ۵۰).

گروه‌های جهادی، ایجاد و استقرار حکومتی دینی و اجرای شریعت اسلامی را از مهم‌ترین تکالیف شرعی خود می‌دانند (Liz, 2014: 18) گروه داعش مشهور به تفسیر و قرائت خشن وهابیت از اسلام (Nabih, 2014: 12) و خشونت وحشیانه‌اش (Terrence, 2014:14; Gambill,) (2014: 67-69) علیه شیعه و مسیحیان است و به قدری تندرو و سخت‌گیر است که با دیگر گروه‌های اسلام‌گرای سلفی از جمله «جبهه النصره»^۱ شاخه رسمی القاعده در سوریه نیز درگیر جنگ شده^۲ و در فوریه ۲۰۱۴م ایمن الظواہری، رهبر القاعده به‌طور رسمی هرگونه انتساب این گروه به القاعده را رد کرده است (Abi-Habib, 2014: 58-61).

طی سال ۲۰۱۴م، داعش به سرعت بیش از ۳۰ درصد از خاک سوریه و عراق را تصرف کرد. در این فرآیند، میادین نفتی و پالایشگاه‌ها، دارایی‌های بانکی و آثار باستانی، تانک‌ها و تسلیحات به ارزش میلیارد‌ها دلار (آمریکا) را به تصرف خود درآورد و به یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای صلح و امنیت در خاورمیانه تبدیل شد. در تلاش برای تضعیف و شکست داعش، ایالات متحده با کمک تعداد انگشت‌شماری از کشورهای غربی و عربی، هزاران بمباران و حملات موشکی کروز را علیه اهداف داعش در عراق و سوریه از اوت ۲۰۱۴م انجام داد. درحالی‌که دولت عراق و دولت سوریه به اقدام نظامی خارجی علیه داعش در داخل عراق رضایت داده بود.

۱- نام کامل این جریان مسلح، «جبهه النصره لاجرار الشام (جبهه پیروزی آزادمردان شام)» می‌باشد که در اواخر سال ۲۰۱۱ تأسیس شد.

۲- جنگ داخلی سوریه، به عنوان یک نبرد طولانی، ضمن جلب توجه بازیگران دولتی و غیردولتی در نظام بین الملل، یکی از مسائل متعددی است که نظام بین الملل را در دهه دوم قرن بیست و یکم گرفتار کرده است. این نبرد همچنین شاهد مداخلات متعددی از سوی این بازیگران، به‌ویژه ایالات متحده بوده است که منجر به پرسش‌هایی در مورد چنین اقداماتی شده است. مداخلات ایالات متحده آمریکا در محدوده قانونی نیست و به این ترتیب، نقض حقوق بین المللی است. البته باید سازمان ملل متحد در قبال مداخلات غیرمجاز موضع محکم‌تری اتخاذ کند. برای انجام این امر، سازمان ملل باید پیش‌نویس تحریم‌هایی را پیش‌نویس کند که باید علیه هر کشور عضوی که خلاف رویه‌های هدایت مداخلات بشردوستانه است، اجرا شود (Ogunnowo, and Chidozie, 2020: 9).

در مقابل، سوریه اعتراض کرد که حملات هوایی در خاک سوریه نقض غیرقابل توجیه حقوق بین‌المللی است (Scharf, Sterio and Williams, 2020: 29).

پرسش‌ها

۱. نظام سیاست کیفری تقنینی سازمان ملل متحد و شورای امنیت، تا چه حد در قبال اقدامات دهشتناک و تروریستی گروه داعش در حفظ امنیت بین‌المللی اثربخش خواهند بود؟
۲. چگونه می‌توان اعضای گروه داعش را از طریق محاکم کیفری بین‌المللی تحت تعقیب قرار داد؟

اهداف

۱. سنجش اثرگذاری سیاست کیفری تقنینی سازمان ملل متحد به‌ویژه قطعنامه‌های شورای امنیت در قبال جنایات تروریستی داعش در حفظ امنیت بین‌المللی؛
۲. امکان‌سنجی فرایند رسیدگی به جنایات تروریستی داعش در محاکم کیفری بین‌المللی؛

مبانی نظری

یکی از نخستین مؤلفه‌های حقوقی مرتبط با «توصیف» گروه داعش، لزوم تکمیل و تعمیق ماهیت تروریستی آن از منظر نهادهای بین‌المللی و دولت‌ها است.^۱ به‌واقع، تروریستی نامیدن این گروه، منوط به وجود درجه‌ای از دیدگاه و اعتقاد با اقدام دولت‌ها در این زمینه است. در شرایط حاضر، با وجود اقدامات برخی دولت‌ها در زمینه شناسایی گروه داعش و درج آن در گروه‌های تروریستی (بر اساس تصمیمات و فرایندهای حقوق داخلی کشورهای مذکور) هنوز سیاست بین‌المللی در این زمینه که به توصیف مذکور ماهیت بین‌المللی و عام الشمول بدهد، اتخاذ نشده است (Ferran, 2014: 21).

۱- از آنجایی که داعش نه به عنوان یک دولت به رسمیت شناخته می‌شود و نه به عنوان یک جامعه متخاصم به رسمیت شناخته می‌شود، به عنوان یک «شخصیت خاص» طبقه بندی می‌شود. مفهوم‌سازی داعش به‌عنوان ترکیبی از افراد، اقتدار آن را درک نمی‌کند، بلکه صرفاً به این نکته اشاره می‌کند که اعضای آن می‌توانند به صورت فردی مسئول جرم باشند. بر اساس مفاد حقوق بین‌الملل، مفهوم سازی داعش به عنوان یک دولت یا جامعه متخاصم امکان‌پذیر نیست. بنابراین، ممکن است آن را به عنوان یک تیپ خاص از شخصیت طبقه بندی کرد (Muthukumar, 2020).

شورای امنیت سازمان ملل متحد، مجمع عمومی و همچنین ارکان نهادهای منطقه‌ای همچون اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی و غیره به رغم جنایات تروریستی آن‌ها در سوریه در سال‌های اخیر، در اتخاذ چنین تصمیمی موفق نبوده و حتی عمدتاً چنین موضوعی را در دستور کار خود قرار نداده‌اند؛ بنابراین، در افکار عمومی جهانی و آن‌هم متأثر از موج جنایات این گروه علیه غیرنظامیان و غارت اموال آن‌ها و همچنین اشغال برخی شهرها و روستاهای سوریه و عراق و تهدیدهای این گروه برای ورود به سایر کشورهای منطقه، ماهیت تروریستی آن محرز است و البته این امر، الزاماً بر عناصر الزامی توصیف یک گروه تروریستی در حقوق بین‌الملل تأثیرگذار نخواهد بود (مجمع جهانی صلح اسلامی، ۱۳۹۳: ۲-۳).

معیار و مؤلفه‌های حقوقی شناسایی گروه داعش و جنایات ارتكابی آن‌ها و نیز تأثیرگذاری بر ارزیابی حقوقی بین‌المللی در این رابطه، توصیف پیامدهای اقدامات این گروه بر صلح و امنیت بین‌المللی - یعنی اولین و مهم‌ترین هدف منشور ملل متحد است (ر.ک: زمانی، ۱۳۹۴: ۱۱۹). از این رو، در ارتباط با توصیف پیامدهای گروه داعش، تحلیل نسبت اقدامات آن با تهدید یا نقض صلح و امنیت بین‌المللی راهگشا خواهد بود. این ملاحظات مؤید شناسایی گروه داعش و صلح منطقه، از مهم‌ترین پدیده‌هایی است که ارتباط پیوسته با افکار عمومی جهانی را برقرار ساخته و ظرفیت‌های آن‌ها را در خدمت به تعمیق یافته‌ها و توصیه‌های حقوقی قرار خواهد داد (ر.ک: گودرزی، ۱۳۹۳: ۲).

ماهیت تهدیدآمیز و تروریستی اقدامات ارتكابی گروه داعش برای صلح و امنیت بین‌المللی، از اصل «تروریسم به عنوان تهدید صلح و امنیت بین‌المللی» نشأت می‌گیرد که در حقوق ملل متحد و حقوق مبتنی بر رویه بین‌المللی استوار گردیده است.

عملکرد سازمان ملل متحد؛ چالش‌ها و پاسخ‌ها

«کوفی عنان»، دبیر کل وقت سازمان ملل متحد در جلسه ویژه کمیته ضد تروریسم شورای امنیت با سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در ششم مارس ۲۰۰۳م اظهار نمود: «پاسخ ما به تروریسم و همچنین تلاش‌های ما برای پیشگیری از آن باید از حقوق بشر که تروریست‌ها قصد آسیب زدن به آن را دارند، حمایت کند. حقوق قابل احترام، آزادی‌های اساسی و نقش قانون

در مهار تروریسم از ابزارهای مهم به حساب می‌آیند و در هنگام بروز تنش هیچ امتیازی نباید داده شود» (Annan, 2003: 34-35).

شورای امنیت سازمان ملل متحد در نشست ۷۲۴۲ قطعنامه ۲۱۷۰ در ۱۵ آگوست ۲۰۱۴م تحت فصل هفتم منشور ملل متحد، شامل یک مقدمه و ۲۴ بند و شش پیوست، علیه شاخه‌های جدید القاعده در عراق و سوریه شامل گروه داعش و النصرة به تصویب رساند.^۱ این قطعنامه از این جهت که محدودیت‌هایی را علیه این گروه‌ها و حامیان آن‌ها در نظر می‌گیرد، اقدامی در مبارزه با تروریسم محسوب می‌شود.^۲ از این رو، این قطعنامه ضمن اینکه در شورای امنیت با اجماع اعضای شورای امنیت به تصویب رسید، در خارج از شورا نیز با استقبال کشورهای جهان

۱- شکل و ظاهر قطعنامه ۲۱۷۰ شورای امنیت به گونه‌ای است که این تصور را در مخاطب ایجاد می‌کند که گویا شورای امنیت و به خصوص کشورهای غربی این بار به اهمیت مقابله با نسخه‌های جدید القاعده و در رأس آن گروه داعش و جبهه النصرة پی برده‌اند و دیگر نمی‌خواهند همچون گذشته به بهره‌برداری‌های ابزاری خود از این گروه‌ها ادامه بدهند. در واقع بر مبنای همین تصور و برداشت بود که روسیه و چین نیز به عنوان متحدان سوریه در شورای امنیت به این قطعنامه که پیش‌نویس آن توسط انگلیس تهیه شده بود، رأی مثبت بدهند. از جمله موارد و مصادیق قطعنامه ۲۱۷۰ که یک چنین ذهنیت مثبتی را ایجاد می‌کند می‌توان به این اشاره کرد که متن قطعنامه بر استقلال، حاکمیت، اتحاد و تمامیت ارضی عراق و سوریه تأکید دارد. در متن قطعنامه آمده است: «جنایات تروریستی در هر شکلی یکی از جدی‌ترین تهدیدات برای صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود و هرگونه اقدام تروریستی در هر زمان و مکانی که صورت گیرد بدون در نظر گرفتن انگیزه آن، جنایت محسوب می‌شود و غیرقابل توجیه است.»

۲- این قطعنامه، آثار منفی اعتقادی و اقدامات خشونت‌آمیز افراطی آن بر ثبات منطقه ای و تأثیر مخرب بشردوستانه بر جمعیت‌های انسانی و نقش این گروه‌ها در شعله‌ور نمودن تنش‌های منطقه ای را به عنوان علل «تضعیف ثبات بین‌المللی» می‌داند. در راستای تحریم‌های مقرر در قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت راجع به اشخاص و موجودیت‌های وابسته به القاعده صورت پذیرفت، شش نفر از اعضای گروه‌های فوق‌الذکر را که ابوبکر البغدادی - سرکرده داعش - را تحت پوشش قرار نداد به اتهام نقض شدید، سازمان‌یافته و گسترده حقوق بشر که می‌تواند از مصادیق جنایات علیه بشریت بوده محدودیت‌های مسافرتی، استرداد دارایی‌ها و سایر اقدامات مرتبط با تحریم‌های مقرر در قطعنامه ۱۵۴۰ در قبال ایشان مقرر نمود. با این حال قطعنامه تصریح داشته است که دولت‌ها باید از اعزام جنگجویان خارجی به سوریه و عراق و یا تسهیل دسترسی آنها به تسلیحات و فناوری چه با فعل و چه با ترک فعل اجتناب نمایند و مقرر داشته که گروه نظارت تحریم‌های مقرر در قطعنامه ۲۱۷۰ می‌بایستی منابع تسلیحاتی، تامین مالی، استخدام و جمعیت‌شناسی داعش و جبهه النصرة و سایر گروه‌های وابسته به القاعده در سوریه و عراق را مورد ارزیابی قرار داده است و پیشنهادات خود را ظرف نود روز از اجرای قطعنامه به شورای امنیت گزارش دهد. هم چنین امکان قرار گرفتن اشخاص و موجودیت‌های جدید که به تسهیل مسافرت و بکارگیری افراد در داعش و النصرة اقدام می‌نمایند در لیست تحریم‌های مقرر در قطعنامه ۲۱۷۰ شورای امنیت وجود دارد.

See: <http://www.un.org/press/en/2014/sc11520.doc.htm>

به خصوص دولت‌های سوریه و عراق روبه‌رو شد که طی سالیان متمادی و به ویژه سال ۲۰۱۴ بیش از دیگر کشورهای جهان قربانی حملات تروریستی و دیگر اقدامات دهشتناک و تروریستی گروه داعش و النصره شده‌اند.

عملکرد سازمان ملل متحد در مقابله با داعش، با نقدهایی همراه است؛ نخست، عدم واکنش سریع و به موقع در قبال جنایات داعش است. به علاوه، شورای امنیت ملل متحد هیچ گونه واکنشی نسبت به ائتلاف بین‌المللی ضد داعش به رهبری ایالات متحده که بدون مجوز این شورا به راه انداخته و در نقض صریح ماده ۴۲ منشور ملل متحد بود، ننمود. دوم، هماهنگی بین بخشی در سطح فعالیت‌های مختلف بسیار پایین است. در مقابل، یکی از تحولات سازمان ملل متحد در زمینه مقابله با گروه تروریستی داعش، آمادگی آن برای مذاکره مستقیم یا غیرمستقیم با این گروه تروریستی با هدف توقف کشتار در منطقه خاورمیانه بوده است که به نظر می‌رسد پیش از این در باب مواجهه شورای امنیت ملل متحد با گروه‌های تروریستی مسبوق به سابقه نبوده است.^۱

باین حال، در راستای اقدامات دهشتناک و تروریستی گروه داعش، در این پژوهش راهبرد و سیاست‌های تقنینی شورای امنیت به ویژه بیانیه‌ها و قطعنامه‌های صادره را تحت بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد. البته برای پیگیری و تعقیب جنایات تروریستی ارتكابی از سوی گروه داعش، لازم است ضمن تطبیق جنایات تروریستی با اسناد بین‌المللی به ویژه کنوانسیون‌های ضد تروریسم و اساسنامه رم، اقدامات مزبور تحت بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

الف- شورای امنیت

شورای امنیت در مورد گروه داعش دو بیانیه مطبوعاتی رئیس شورا و یک قطعنامه (قطعنامه ۲۱۷۰) به اتفاق آراء صادر کرده است. در این اسناد هرچند گروه داعش به عنوان یک گروه تروریستی شناخته شده است، اما از مقوله جنایات جنگی این گروه تروریستی در مناطق مختلف عراق نامی به میان نیامده است. در واقع، پس از بررسی و ارزیابی اسناد مصوب از سوی شورای امنیت (به ویژه قطعنامه ۲۱۷۰) راجع به گروه داعش موارد زیر قابل استنباط است:

الف- داعش، به عنوان یک گروه تروریستی تلقی شده است؛

ب- تهدیدهای گروه داعش در سه بُعد مردم عراق، کشور عراق و منطقه محرز شده است؛

۱- <https://iiwfs.com>

ج- این گروه تروریستی تحریم شده است؛
د- آثار غیرانسانی اقدامات این گروه در عراق که همراه با حملات مسلحانه بوده است، محرز و شناسایی شده است؛
ه- خرید نفت از گروه داعش ممنوع اعلام شده است؛
ر- تردد اعضای گروه داعش و استفاده از قلمرو دولت‌های منطقه، ممنوع شده است.
باوجوداین، افزون بر اقدام شورای امنیت در این زمینه، یک بیانیه مطبوعاتی از سوی رئیس دوره‌ای شورای امنیت تنظیم شد؛^۱ این بیانیه در ۱۱ ژوئن ۲۰۱۴م به وسیله «ویتالای چورکین»^۲ رئیس دوره‌ای شورای امنیت به صورت مطبوعاتی ارائه شد.
بیانیه مزبور میان اسنادی که شورای امنیت منتشر می‌کند، دارای پائین ترین درجه اهمیت بوده و فاقد اعتبار حقوقی است. بااین حال، شورای امنیت در این موارد تلاش کرده تا با واکنش مطبوعاتی به یک سلسله پدیده‌های بین‌المللی، خود را از اتهام «عدم رسیدگی» یا «چشم پوشیدن بر تحولات» مبرا سازد.
البته این بیانیه‌ها به نام اعضای شورای امنیت منتشر می‌شود و در عبارات آن، از اینکه «اعضای شورای امنیت» چه نگاه و برداشتی دارند، یاد می‌گردد. در بیانیه مزبور راجع به عراق، نکاتی وجود دارد که در مجموعه توصیف‌ها، تحلیل‌ها و همچنین مفاهیمی که در اتخاذ اقدامات بایسته بین‌المللی دخیل هستند، قابل توجه می‌باشند. ازاین رو، می‌توان به مفاهیم این بیانیه هم در راستای واکنش بین‌المللی مؤثر به گروه داعش و تهدیدهای منطقه‌ای آن توجه نمود.
در واقع، شورای امنیت از اینکه جنایات تروریستی گروه داعش را در قالب مفاهیم امنیتی و

۱- در بیانیه رئیس شورای امنیت که در شش بند تنظیم شده است، مفاهیم متعددی وجود دارد که از نظر تحلیلی می‌توان در توصیف وضعیت عراق، گروه داعش و حتی واکنش بین‌المللی به جنایات ارتكابی گروه داعش از مفاد آن استفاده نمود. در این رابطه، به اهم موارد و مفاهیم این بیانیه اشاره می‌گردد: الف- شناسائی ماهیت گروه داعش؛ شورای امنیت در این بیانیه بلافاصله با این عبارت آغاز می‌کند که دولت اسلامی عراق و سوریه، یک سازمان تروریستی است. این توصیف از گروه داعش به معنای تکمیل اقداماتی خواهد بود که در سطح ملی و توسط برخی کشورها در رابطه با قرار دادن نام گروه داعش در گروه‌های تروریستی به عمل آمده است. ب- جنایات تروریستی گروه داعش؛ از دیدگاه شورای امنیت، اقدامات گروه داعش در عراق، ماهیت تروریستی دارند و از اینرو، در چارچوب موازین و هنجارهای مرتبط با «راهبرد جهانی ضدتروریسم» قابل تعقیب، پیگیری و واکنش هستند.

2- Vitaly Churkin

حقوقی دیگر بتوان توصیف کرد، پرهیز نموده است. در این رابطه، سه مفهوم ویژه در حقوق بین‌المللی و به ویژه در پرتو کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن، وجود دارد: الف- «حمله مسلحانه»؛ همان مفهومی که در ماده ۵۱ منشور مقرر گردیده و اجازه دفاع مشروع را در مقابل آن می‌دهد.

ب- «نبرد مسلحانه»؛ مفهومی که حکایت از نبرد غیر بین‌المللی یا بین‌المللی می‌دهد و در نتیجه، با اعمال حقوق نبردهای مسلحانه (از جمله حقوق بشردوستانه) همراه خواهد بود. در پرتو همین وضعیت است که ارتکاب جنایات علیه غیرنظامیان یا غارت اموال آن‌ها، تحت عنوان جنایت جنگی قابل تعقیب خواهد بود. در ضمن، جنایات ارتكابی داعش در ابعاد مختلف، ضمن نقض اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه، آستانه لازم برای تعقیب تحت جنایات بین‌المللی نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی را محقق ساخته‌اند (ساعدی، آرش‌پور و فرزاسی‌نسب، ۱۳۹۹: ۸۰۹).

ج- «حمله تروریستی»؛ مفهومی که صرفاً مؤید وجود یک گروه تروریستی و اقدامات آن به صورت مسلحانه علیه امنیت یک گروه یا منطقه در یک کشور است و البته در مورد تروریسم بین‌المللی، این گستره به صورت فراملی خواهد بود.

شورای امنیت با اتخاذ سیاستی دوگانه راجع به ماهیت و مفهوم جنایات تروریستی گروه داعش، تنها بر مفهوم سوم (یعنی حمله تروریستی علیه گروهی از مردم عراق و یا مناطق آن) تأکید نمود. البته جنایات تروریستی گروه داعش در مورد تهدید سایر کشورهای منطقه را هم تحت عنوان «تهدید منطقه» تصریح کرده ولی هیچ‌گونه سازوکاری متناسب با واکنش به یک تهدید آینده منطقه‌ای مقرر ننموده است.

در این زمینه، البته که دولت عراق می‌تواند حقوق و راهبردهای ملی خود علیه تروریسم را در ابعاد مختلف اعمال و اجرا نماید. با این حال، در این زمینه، عراق بعد از اشغال، هنوز قادر به ایجاد یک حقوق قوی ضد تروریستی نبوده و از ضعف‌های مهمی رنج می‌برد و فاقد ساختارهای هنجاری، پیگیری و اقدام ضد تروریستی است.

د- «جنایات گروه داعش»؛ شورای امنیت در این بیانیه، موارد متعددی از جنایات این گروه را در کشتار غیرنظامیان و نیروهای پلیس؛ آواره کردن صدها هزار نفر از سکنه عراق، ناپدید شدن

گسترده مردم؛ گروگان‌گیری مأموران کنسولی و سیاسی دولت‌های خارجی نام برده است. بااین حال، هیچ‌یک از موارد فوق را تحت عنوان «جنایت بین‌المللی» نشمرده و تنها به مثابه «حمله تروریستی» یا «اقدام تروریستی» تلقی کرده است (مجمع جهانی صلح اسلامی، ۱۳۹۳: ۷-۸). بااین حال، شورا نسبت به مؤلفه‌های حقوقی زیر اقدام و تصمیمی را اتخاذ نکرده است:

الف- اقدامات نظامی گروه داعش در برابر ارتش عراق، به عنوان یک نبردهای مسلحانه غیر بین‌المللی تلقی می‌شود؛ البته شورا به‌طور کلی نسبت به نقض حقوق بشردوستانه توسط گروه داعش نظر داده است که می‌تواند تلویحاً به معنای قبول ماهیت نبرد مسلحانه در توصیف عملکرد گروه داعش و وضعیت عراق باشد.^۱

ب- بااینکه نقض‌های گسترده‌ای از حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به ویژه غیرنظامیان، زنان و کودکان و اقلیت‌ها و هم‌چنین نمایندگان سیاسی دیگر کشورها و حمله به اماکن دیپلماتیک و کنسولی مطرح شده است، شورا دقیقاً ارتکاب جنایات بین‌المللی اعم از جنایات جنگی یا علیه بشریت را احراز نکرده است.

باوجوداین، احراز جنایات بین‌المللی اقدامی حقوقی و منوط به رسیدگی‌های قضایی است، اما بر اساس گزارش‌های متعدد بین‌المللی اعم از دولتی و غیردولتی، ارتکاب جنایات جنگی و علیه بشریت شامل اعدام‌های خودسرانه، قتل افراد غیرنظامی، غارت اموال عمومی و خصوصی، تخریب آثار تاریخی و مذهبی، کشتار اعضای گروه‌های مذهبی و قومی به ویژه اقلیت‌ها، تجاوز جنسی به عنف، ارباب جمعیت غیرنظامی، صدور دستور قتل عام بدون امان، محرز شده است. انتشار گسترده تصاویر مربوط به این جنایات در سطح بین‌المللی، هرگونه تردید در خصوص این جنایات را منتفی کرده است. ازاین‌رو، شورا می‌توانست به طرق زیر در برابر این «وضعیت» اقدام نموده و به اتخاذ تصمیم بپردازد:

الف- محکومیت نقض گسترده حقوق بشر و بشردوستانه و احتمال ارتکاب جنایات بین‌المللی توسط گروه داعش؛

1- 'Report on the Protection of Civilians in Armed Conflict in Iraq: 6 July – 10 September 2014'. United Nations, 26 September 2014, Geneva. Retrieved 11 November 2014.

ب- تشکیل کمیته حقیقت یاب در رابطه با جنایات بین المللی گروه داعش؛^۱
ج- درخواست از دیوان بین المللی کیفری برای بررسی جنایات بین المللی در نبردهای غیر بین المللی گروه داعش در عراق از آغاز تاکنون.

بنابراین آنچه مطابق مفاد بیانیه مطبوعاتی شورای امنیت به ذهن متبادر می گردد، این است که بیانیه مزبور از به کار بردن ماهیت اقدامات خشونت آمیز تروریستی گروه داعش خودداری نموده است؛ درحالی که فقط بحث گروگان گیری و ناپدید شدن صدها هزار نفر و تلاش این گروه برای ایجاد بی ثباتی در عراق عنوان شده و دلیل اصلی این امر هم آن است که سعی شده تا مطالبی در بیانیه مطبوعاتی شورای امنیت عنوان شود که در نهایت از ورود به فصل هفتم منشور شورای امنیت جلوگیری شود. جنایات تروریستی گروه داعش با قوانین فعلی و حقوقی عراق قابل بررسی و رسیدگی است، اما شورای امنیت با بیانیه مطبوعاتی خود، بار مسئولیت در قبال گروه داعش را به عهده دولت عراق قرار داده و از اینکه جامعه بین المللی مسئولیتی را برای مقابله با این گروه بپذیرد، جلوگیری شده است.

باوجوداین، شورا نمی بایست به تروریست انگاشتن این گروه و اتخاذ تدابیر تحریمی و کنترلی این گروه در قالب قواعد ضد تروریسم اکتفا می کرد، بلکه اقدامات تروریستی گروه داعش در عراق که با تشکیل دستجات نظامی، تجمع تجهیزات سنگین جنگی و غارت انبارهای نظامی عراق در مناطق تحت اشغال و همچنین تجهیز از منابع دولت خارجی همراه بوده است، دارای سطح یک نبرد مسلحانه غیردولتی است.^۲

شورای امنیت در قطعنامه ۲۱۶۹ مورخ ۳۰ جولای ۲۰۱۴م، داعش را به عنوان گروه تروریستی شناخته و نسبت به حمله های گسترده تهاجمی این گروه و گروه های تروریستی وابسته به آنها که

۱- تشکیل کمیته حقیقت یاب اگر ناظر بر شناسایی اعضا رهبران و کانال های ارتباطی و تغذیه کننده گروه داعش باشد تأسیسی است که در قطعنامه ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ توسط شورا پیش بینی شده است. این کمیته ضد تروریستی شورای امنیت همان کمیته ای است که بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر برای پالایش کلیه گروه های تروریستی تحت نظر شورای امنیت شکل گرفته است، اما تا کنون به دلایلی ظرفیت های این کمیته که در قطعنامه های شورای امنیت برای گروه داعش مورد تأکید قرار گرفته، به فعلیت در نیامده است و یکی از دلایل آن ارتباط پیوسته برخی از اعضای شورای امنیت و متحدین آنها با گروه داعش خواه در مرحله شکل گیری این گروه و خواه در تقویت و راهبری آنها در شرایط فعلی است.

1- <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930403001405#sthash.NPYbUyWs.dpuf>

به خسارات شدید انسانی منجر گردیده، ابراز نگرانی جدی کرده است؛ اما تمرکز اصلی شورا در این قطعنامه عمدتاً بر سرزمین و وحدت ملی عراق بوده، خسارات و صدمات انسانی اقدامات این گروه آن گونه که بایسته است، مورد توجه قرار نگرفته است.^۱

کمیسیون عالی حقوق بشر عراق که یک نهاد دولتی است، با صدور بیانیه‌ای مقرر داشته است که عناصر گروه داعش، نسل‌کشی و جنایات ضد بشری علیه اقلیت‌ها در عراق مرتکب شده‌اند و این امر ایجاب می‌کند که جامعه بین‌المللی جلسه فوری شورای امنیت و شورای حقوق بشر ملل متحد^۲ در ژنو را برگزار کند تا جنایات گروه داعش علیه اقلیت‌ها و سایر اقشار مردم عراق را نسل‌کشی و جنایت ضد بشری قلمداد و عاملان آن را در دیوان بین‌المللی کیفری مورد پیگرد و مجازات قرار دهد.

افزون بر اقدامات مزبور، شورای امنیت سازمان با تصویب قطعنامه ۲۱۷۰ بر نقض گسترده و سازمان‌یافته حقوق بشر و حقوق بشردوستانه توسط گروه تروریستی «دولت اسلامی عراق و شام» و «جبهه النصره» در قلمروی سرزمینی کشور عراق و سوریه تأکید نمود.^۳

شورای امنیت ملل متحد با تأکید بر مسئولیت مرتکبان نقض حقوق بشر و «حقوق بشردوستانه» در عراق و سوریه بر لزوم پاسخ‌گویی ایشان در قبال جرائم ارتكابی به خصوص در ارتباط با «تعقیب و آزار» اقلیت‌ها تأکید کرده است. قطعنامه شورای امنیت با تأکید بر «گسترده بودن» و «سازمان‌یافته» بودن این نقض‌ها و با اشاره به برخی رفتارهای ناقض قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه مانند

1- Security Council/RES/2169 (2014).

۲- کمیساریای عالی حقوق بشر ملل متحد که در نشست ویژه شورای حقوق بشر ملل متحد، مأمور تحقیق در باره نقض حقوق بشر در عراق شده بود، در سیزدهم مارس ۲۰۱۵ گزارش خود را مبنی بر ارتکاب جنایات بین‌المللی همچون جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی ارائه نمود. گزارش تنظیمی به طیف گسترده‌ای از نقض حقوق بشر شامل کشتار، شکنجه، برده‌گیری جنسی، تجاوز، تغییر اجباری باورهای مذهبی و سرپازگیری کودکان اشاره دارد که برخی از آنها به آستانه جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت رسیده‌اند.

See: Human Rights Council, "Report of the Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights on the Human Rights Situation in Iraq in the Light of Abuses Committed by the so-called Islamic State in Iraq and the Levant and Associated Groups", Twenty-eighth session, A/HRC/28/18, 13 March 2015.

3- Security Council/RES/2170 (2014).

حمله قاصدانه به غیرنظامیان و یا تخریب اماکن مذهبی و فرهنگی از احتمال ارتکاب «جنایت علیه بشریت» نیز سخن رانده است (Van der Vyver, 2016: 561-562).

قطعه‌نامه شورای امنیت هرچند به برخی از محورهای موردنظر راهبرد اوباما علیه گروه داعش یعنی ظرفیت‌سازی در دولت‌های در معرض خطر داعش به منظور جلوگیری از رشد این گروه‌ها اشاره کرده و البته آن‌ها را مقید به رعایت موازین بین‌المللی و تمامیت ارضی دولت‌های مذکور نموده است اما اجازه اقدامات یک‌سویه برای بسط ناامنی و بی‌ثباتی در جهان به بهانه مقابله با تروریسم را نداده است. از این حیث، این قطعه‌نامه بیش از آنکه غربی‌ها آن را مهر تأیید جهانی بر راهبردهای خود علیه گروه داعش می‌پندارند، تأییدی بر نیاز فوری به کنترل تردد «جنگجویان تروریست خارجی» است که مبدا تهدیدهای آن‌ها، دامن اروپا و آمریکا را بگیرد. به‌طور کلی، اوصاف و کارکردهای این قطعه‌نامه و پیامدهای آن را می‌توان در قالب چهار نکته زیر جمع‌بندی و ترسیم نمود (ساعد، ۱۳۹۳: ۵-۳):

نخست، کارکرد این قطعه‌نامه به منزله تضمین حصر گروه‌های تروریستی در منطقه است. به‌واقع، مرکز ثقل این قطعه‌نامه، قطع خطوط ارتباط افراد در سایر کشورها با گروه داعش و النصره یعنی مانع‌شدن از عضویت آن‌ها در این گروه‌های تروریستی است و نه نابودسازی گروه‌های مذکور.

این قطعه‌نامه رشد کمی و کیفی گروه داعش و النصره را با مجموعه از تدابیر کنترلی پیش‌بینی کرده است؛ بدون آنکه برای کاهش قدرت عمل و ظرفیت‌های فعلی این گروه‌ها و نهایتاً نابودسازی آن‌ها تدبیر ویژه‌ای را مقرر کرده باشد. از این حیث، این قطعه‌نامه نیز ادامه همان قطعه‌نامه‌های ۲۱۶۹ و ۲۱۷۰ در مورد حصر گروه‌های تروریستی در منطقه و جلوگیری از خطر بازگشت اعضای خارجی آن‌ها به کشورهای اروپایی و آمریکایی است.

دوم، کلی بودن این قطعه‌نامه است؛ به‌طوری‌که جنبه‌های ضد‌داعشی آن بسیار کمتر از جنبه‌های کلی آن است. در واقع، این قطعه‌نامه عمدتاً به عنوان یک قطعه‌نامه علیه تروریسم است و نه علیه گروه داعش. این در حالی است که قطعه‌نامه‌های ۲۱۶۹ و ۲۱۷۰ به صورت خاص علیه گروه داعش و النصره تدوین شده بودند.

سوم، در هیچ جایی از این قطعه‌نامه، ائتلاف ضد‌داعش موردنظر آمریکا به رسمیت شناخته نشده

است؛ بنابراین، این قطعنامه کارکردی برای تأیید شکلی یا ماهیتی این ائتلاف ندارد و نهایتاً اینکه این قطعنامه به هیچ وجه به طور مستقیم اجازه عملیات نظامی علیه گروه داعش را صادر نکرده است؛ بلکه به صورت مشخص و بیش از سیزده مرتبه تأکید کرده که اقدامات بین‌المللی و فردی باید با رعایت موازین بین‌المللی و منشور ملل متحد باشند. از این رو، این قطعنامه بیش از آنکه مستندی برای راهبرد نظامی امریکا در سوریه و عراق باشد، علیه این کشور قابل استناد است.

به طور کلی، شورای امنیت بار مسئولیت مقابله با گروه داعش را بر عهده دولت عراق قرار داده است و از همکاری ساختارهای سیاسی داخل عراق از جمله حکومت اقلیم برای حفظ وحدت سیاسی و مقابله با تروریسم استقبال نموده و در نتیجه، هیچ گونه همکاری بین‌المللی خاصی را در مقابله با گروه داعش مدنظر قرار نداده است.

تحریم گروه داعش به طور قطع یکی از راهکارهای مؤثر علیه این گروه و ادامه حیات آن خواهد بود؛ اما هیچ گونه سازوکاری بین‌المللی برای اجرایی کردن این تحریم‌ها و نظارت بر آن‌ها وجود ندارد. ضمن اینکه در مورد تحریم علیه گروه داعش، هنوز هیچ فهرستی شامل سران و اعضای آن وجود ندارد تا دولت‌ها قادر به شناسایی و برقراری ممنوعیت‌های مسافرت، تأمین مالی و گردش کاری آن‌ها باشند.

افزون بر این‌ها، شورای امنیت هم در قطعنامه ۲۲۴۹ (۲۰۱۵) تروریستی بودن جنایات «داعش» را به رسمیت شناخت (کوشا، ۱۳۹۷: ۸۲۹).^۱ وفق بند نخست این قطعنامه، به صراحت حملات تروریستی وحشتناک انجام شده توسط داعش را که در ۲۶ ژوئن ۲۰۱۵ م در سوریه، ۱۰ اکتبر ۲۰۱۵ در آنکارا، ۳۱ اکتبر ۲۰۱۵ بر فراز سینا، در ۱۲ نوامبر ۲۰۱۵ در بیروت انجام شد، محکوم کرد. مطابق بند پنجم قطعنامه، شورای امنیت از دولت‌های عضو خواست تا کلیه اقدامات لازم را با رعایت حقوق بین‌المللی، به ویژه با رعایت مفاد منشور سازمان ملل متحد و نیز حقوق بشر بین‌المللی، حقوق پناهندگان و حقوق بشردوستانه در قلمرو تحت کنترل انجام دهند. در بند ششم نیز از دولت‌های عضو درخواست می‌کند تا تلاش‌های خود را برای توقف جریان جنگجویان تروریست خارجی به عراق و سوریه و پیشگیری و سرکوب تأمین مالی تروریسم تشدید کنند.

1- United Nations Security Council, S/RES/2249 (2015), Adopted by the Security Council at its 7565th meeting, on 20 November 2015.

ب- تعقیب و فرایند رسیدگی کیفری بین‌المللی

با توجه به پیوستن تروریست‌های خارجی به داعش و النصره از طریق سربازگیری و حمایت مستقیم مالی از آنان، ضمن تحریم شش نفر از اتباع عربستان، کویت، الجزایر و عراق، تدابیر مهم اجرایی از قبیل انسداد اموال، منع سفر و تحریم تسلیحاتی برای افراد گروه‌های داعش، جبهه النصره و نهادهای وابسته به القاعده و نیز حامیان مالی و کلیدی آنان پیش‌بینی و در این قطعنامه ذکر شود تا اقدامات مذکور به فوریت اجرایی شوند (بوجاری، ۱۳۹۳: ۱۴).

این قطعنامه اولین جنبه رسیدگی به جنایات تروریستی گروه داعش از حیث حقوق مبارزه با تروریسم بوده که در این زمینه احراز و اثبات تروریستی بودن جنایات ارتكابی در چارچوب معیارهای بین‌المللی است. از این‌رو، دو معیار برای شناسایی یک گروه به عنوان گروه تروریستی در حقوق بین‌الملل وجود دارد:

الف- معیار اول، این که یک گروه اگر برخلاف حقوق بین‌الملل باشد، می‌تواند گروه را تروریستی جلوه دهد.

ب- معیار دوم، اقدامات گروه است که داعش بر مبنای هر دو معیار تروریستی محسوب می‌شود و بر همین اساس، لازم است دولت عراق و سایر دولت‌ها از طریق شورای امنیت سازمان ملل تلاش کنند تا گروه داعش ضمن درج در لیست سازمان‌های تروریستی، آثار حقوقی متعدد بر عملکرد این گروه و حامیان آن اعمال گردد (عبداللهی، ۱۳۹۳: ۷).

شورای امنیت سازمان ملل متحد از کلیه دولت‌ها درخواست کرده است که وفق قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱)، در مقابله با سازمان‌دهندگان و تأمین‌کنندگان اقدامات تروریستی ضمن همکاری با این نهاد بین‌المللی، تدابیر ملی را به منظور پیشگیری از سرازیر شدن تروریست‌های خارجی به عراق و سوریه به کار گیرند. به علاوه، از هرگونه تأمین مالی برای اقدامات تروریستی پیشگیری نموده و مانع از فراهم شدن حمایت‌های مالی از گروه‌های تروریستی مذکور شوند. همچنین شورای امنیت از سایر دولت‌ها خواسته تا هیچ‌گونه دارایی مالی یا منابع اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم در اختیار گروه‌های تروریستی مذکور قرار ندهند و شهروندان خود را نیز از هرگونه کمک یا خدماتی در این زمینه منع کنند.

مطابق مفاد مقرر در قطعنامه ۲۱۷۰ شورای امنیت، ضمن محکومیت هرگونه مبادله مستقیم یا

غیرمستقیم با گروه‌های تروریستی، بر قرار گرفتن مجرمین در فهرست تحریم‌ها تأکید شده است. همچنین این قطعنامه ضمن ابراز نگرانی درباره استفاده از وسایل نقلیه از جمله هواپیما برای انتقال طلا و دیگر اقلام با ارزش و منابع اقتصادی برای فروش در بازارهای بین‌المللی در نواحی تحت کنترل گروه داعش، اقدامات خاطیان را سبب انسداد دارایی آنان برشمرده است و اینکه شورای امنیت برای مهار تروریسم و عدم تسری آن به سایر کشورهای جهان در چارچوب حقوقی و اجرایی قطعنامه ۲۱۷۰ شورای امنیت از محتوای دو قطعنامه ۲۱۶۰ و ۲۱۶۱ که طالبان، القاعده، تکفیری‌ها و النصره را هدف قرار داده است، پیروی کرده و تحریم را به عنوان ابزار مشتری در هر سه قطعنامه برای کنترل، تضعیف و محدودیت گروه‌های تروریستی به کار گرفته است (ایرانی، ۱۳۹۳: ۴۴).

این قطعنامه درباره چگونگی بازخواست و محاکمه کشورهای حامی گروه داعش که در شکل‌گیری و تجهیز گروه مذکور دخالت داشته‌اند و در قبال جنایات آن‌ها دارای مسئولیت بین‌المللی هستند، اعلام داشته که به دلیل فراملی بودن آثار جنایات تروریستی گروه داعش به‌طورقطع کشورهایی که در روند شکل‌گیری و حمایت از گروه‌های تروریستی مذکور به هر طریقی دخالت داشته‌اند، به موجب مقررات بین‌المللی در زمره ناقضان معاهدات بین‌المللی حقوق بشردوستانه و حقوق بشر و نیز نسل‌کشی در عراق و سوریه محسوب می‌شوند (Casey & Haber, 2014: 71-72).

علاوه بر این گزارش‌های متعدد و مستندی در رابطه با حمایت برخی دولت‌های منطقه از فعالیت‌های این گروه در عراق و سوریه وجود دارد؛ بنابراین در کنار اقدامات فاجعه‌بار داعشی‌ها در قتل‌های بی‌هدف، تخریب اماکن غیرنظامی و ارباب و به قحطی کشاندن غیرنظامیان و در نهایت شکنجه و آواره سازی غیرنظامیان در عراق و سوریه، مصادیق روشنی از جرائم علیه بشریت و نسل‌کشی هستند که در این راستا دولت‌های تشکیل دهنده و حامیان تسلیحاتی و مالی این گروه، در کنار عوامل مباشر این جرائم، از نظر حقوق بین‌الملل و مقررات عام‌الشمول بشردوستانه دارای مسئولیت می‌باشند (Rothkopf, 2019: 286). مسئولیت دولت‌های مزبور از جهت راه‌اندازی، حمایت، تسلیح و تشویق این گروه بوده و دولت‌مردان حاکمیت‌های فوق‌الذکر نیز علاوه بر مسئولیت کیفری فردی، دولت‌های متبوع خود را موضوع مسئولیت بین‌المللی قرار داده‌اند

(دلخوش، ۱۳۹۳: ۴).

از آنجایی که طبق قطعنامه‌های ۱۲۶۹ و ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد، اعمال و اقدامات تروریستی گروه‌های مذکور به سبب تأثیرات اقدامات جنایت‌کارانه این قبیل گروه‌های تروریستی در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی از سوی این شورا محکوم شده است؛ بنابراین طبق اسناد و پروتکل‌های بین‌المللی و قطعنامه‌های مذکور به دلیل زمینه‌ساز شدن نقض مقررات بین‌المللی موجبات مسئولیت و تعقیب این گروه از کشورهای حامی گروه‌های تروریستی فراهم بوده و دولت‌های عراق و سوریه می‌توانند علیه کشورها و حامیان گروه داعش در محکمه بین‌المللی اقامه دعوی کنند (ر.ک: سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۸: ۲۹۱-۲۸۸).^۱

هرچند صدور قطعنامه ۲۱۷۰ توسط شورای امنیت موجب شکل‌گیری ائتلاف جهانی علیه گروه داعش در صحنه بین‌المللی شده است، اما این امر برای مبارزه با تروریسم و حفظ صلح کافی نبوده و تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی برای محاکمه سران این گروه تروریستی و حامیان آنان، اقدامی لازم و عملی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در سطح جهان به شمار می‌رود (بوجاری، ۱۳۹۳: ۱۰).

شورای امنیت ملل متحد در ۱۲ فوریه ۲۰۱۵ با صدور قطعنامه ۲۱۹۹ که بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد و به اتفاق آرای اعضا به تصویب رسید از دولت‌های عضو ملل متحد خواست اقدامات مؤثری برای جلوگیری از تأمین مالی گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه که از طریق تجارت نفت، قاچاق اموال باستانی و ما به ازای گروگان‌ها و همچنین دریافت کمک‌های مالی فراهم می‌شود، اتخاذ کنند. شورا تأکید کرد که تجارت مستقیم یا غیرمستقیم نفت و پالایش محصولات نفتی و مواد مربوطه، موضوع قطعنامه ۲۱۶۱ (۲۰۱۴) شورا است که دولت‌ها را ملزم می‌کند تضمین کنند اتباع و ساکنانشان منابع مالی یا اقتصادی را در دسترس داعش یا دیگر گروه‌های تروریستی قرار نمی‌دهند. شورا با محکومیت تخریب میراث فرهنگی در عراق و سوریه به ویژه به وسیله داعش و جبهه النصره از دولت‌ها خواست با همکاری اینترپل، یونسکو و دیگر سازمان‌های بین‌المللی از تجارت غیرقانونی اشیائی که حیث فرهنگی، علمی و مذهبی ارزشمند هستند و طی

1- UN 'may include' Isis on Syrian war crimes list", BBC News. 26 July 2014. "UN accuses Islamic State group of war crimes" Al Jazeera 27 August 2014.

نبرد مسلحانه از کشور اصلی‌شان خارج شده‌اند، جلوگیری کنند.

جرائم ارتكابی از سوی گروه داعش به وضوح در مواد ۵ تا ۹ اساسنامه رُم پیش‌بینی شده است. بدون تردید اقداماتی که توسط داعش در حال انجام است، در شمول جرائم موضوع ماده ۵ اساسنامه دیوان قرار می‌گیرد؛ جرائمی همچون اعدام‌های دسته‌جمعی و سوءاستفاده جنسی و تجاوز و همچنین شکنجه و نسل‌کشی از سوی نیروهای داعش؛ ولیکن دیوان برای پیگیری این جرائم باید قادر به اعمال صلاحیت خود باشد. در چارچوب مفاد مقرر در ماده ۷ اساسنامه، گروه داعش مرتکب جرائم علیه بشریت و بر اساس ماده ۸ مرتکب جرائم جنگی شده‌اند.

جنایات تروریستی مطابق قواعدی در چارچوب تعریف جنایات علیه بشریت مقرر در ماده ۷ اساسنامه قرار می‌گیرد. بر این اساس، جنایات تروریستی که به میزان کافی گستره و سازمان‌یافته و در راستای پیشبرد سیاست دولتی یا سازمانی باشند، می‌تواند در چارچوب تعریف جنایات علیه بشریت قرار گیرد. البته این رویکرد با موانعی جدی روبه‌رو است؛ ازجمله اینکه، از ارکان تروریسم، قصد اشاعه رعب، هراس، وحشت یا مرعوب ساختن جمعیت و یا وادار ساختن دولت یا سازمان بین‌المللی برای ارتكاب فعل یا ترك فعل است؛ اگر قرار بود در چارچوب ماده ۷ با جنایات تروریستی مقابله شود، هیچ گزارش خاصی از این معیار اخذ نمی‌شد؛ افزون بر این، ماده مزبور تروریسم و مبارزات رهایی‌بخش ملی را تفکیک ننموده است (صابر و صادقی، ۱۳۹۲: ۱۶۲). باوجوداین، ماده ۱۲ اساسنامه سه احتمال مفروض است (فهم‌دانش، ۱۳۹۴: ۳):

اول، جنایات در قلمرو سرزمینی صورت گرفته باشد که عضو دیوان است؛ در این حالت دادستان صلاحیت پیگرد متهم را دارد و کشورهای ثالث نیز موظف به همکاری با دیوان است. در خصوص جنایات تروریستی داعش، سوریه و عراق در زمره دولت‌های عضو نمی‌باشند و در نتیجه بررسی جرائم ارتكابی توسط اعضای گروه داعش در این کشورها، هرچند شدیدترین جرائم مورد اهتمام جامعه جهانی است که صلح و امنیت و رفاه منطقه و جهان را نیز به مخاطره انداخته، نمی‌تواند در چارچوب اختیارات دیوان کیفری بین‌المللی از حیث عدم صلاحیت سرزمینی قرار گیرد.

دوم، ماده ۱۲ اساسنامه در صورتی است که مرتکب، تبعه کشور امضا کننده باشد؛ در این صورت دادستان با هیچ مانعی برای پیگرد متهم مواجه نیست. هم‌اکنون بنا بر اظهارات هماهنگ‌کننده امور مبارزه با تروریسم اتحادیه اروپا، حدود سه هزار تبعه کشورهای اروپایی به گروه داعش در سوریه

و عراق پیوسته‌اند.

سوم، شورای امنیت سازمان ملل متحد از دیوان بخواهد به وضعیتی رسیدگی کند؛ در این حالت، بنا بر آنچه از مفاد ماده ۱۲ و رویه دیوان کیفری بین‌المللی و شورای امنیت استنباط می‌شود، دیوان خود باید در خصوص اعمال صلاحیت تکمیلی بر وضعیت ارجاع شده تصمیم‌گیری نماید.

هم‌چنین به استناد اصول کلی که در مواد ۲۲ به بعد اساسنامه وجود دارد، هرگونه معاونت و مشارکت با این گروه‌ها جرم محسوب می‌شود. با این تفاسیر اصل جرمی که گروه داعش در حال ارتکاب آن است و نیز معاونت و شراکت با آن‌ها در زمره جرائم علیه بشریت محسوب می‌شود و مرتکبان این جرم و معاونان و مشارکت‌کنندگان در این جرم نیز قابل تعقیب و پیگیری هستند.

باوجوداین، اثبات جرائم ارتكابی توسط گروه داعش، موضوع چندان پیچیده‌ای نیست که یک کمیته حقیقت‌یاب درصدد بررسی ابعاد گوناگون موضوع و تحقیقات لازم باشد. اساسنامه رُم به‌صراحت جرائم ارتكابی را پیش‌بینی کرده و مؤثرترین راهبرد برای تعقیب کیفری این جرائم مطابق اساسنامه، آن است که شورای امنیت سازمان ملل متحد این موضوع را درخواست کند تا با این درخواست، کشورهایی که معاونت و مشارکت کرده‌اند، تحت تعقیب کیفری قرار گیرند.

افزون بر این، در چارچوب حقوق بین‌المللی کیفری نبرد ارتكابی در عراق و سوریه هر یک نبرد غیر بین‌المللی محسوب می‌شوند و با توجه به اینکه برخی از قواعد مذکور در اسناد حقوق بشردوستانه جنبه عرفی داشته‌اند، هرگونه تخلف از معیارهای عرفی مربوطه می‌تواند جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت محسوب شود و مرتکبین و حامیان جنایات اخیر در عراق و سوریه مسئولیت کیفری پیدا می‌کنند. از این رو، می‌توان اقدامات گروه داعش را منطبق با تعریف نسل‌کشی برابر آنچه در ماده یک کنوانسیون نسل‌کشی مقرر شده است، قلمداد نمود و خواهان اقدامات حقوقی مؤثر در سطح جهانی برای پیشگیری از استمرار جرائم ارتكابی این گروه شد (Lambert, 2017, 74-75).

البته تأسیس یک محکمه کیفری بین‌المللی ویژه برای سوریه با صدور قطعنامه از سوی شورای امنیت می‌تواند جایگزینی برای محاکمه تروریست‌های تکفیری در دیوان باشد. تأسیس چنین دادگاهی با دو ایراد عمده مواجه است (آقای جنت‌مکان و قریشی، ۱۳۹۲: ۱۰۰۴):

نخست، ایجاد آن بر پایه اراده شورای امنیت بستگی دارد؛ بنابراین با امتناع شورای امنیت از ارجاع وضعیت سوریه به دیوان کیفری بین‌المللی بعید است که اراده کافی برای تأسیس یک نهاد کیفری بین‌المللی ویژه بحران سوریه وجود داشته باشد.

دوم، یکی از دلایلی که دیوان کیفری بین‌المللی تأسیس گردید، پرهیز از دادرسی‌های طولانی و پرهزینه بودن محاکم کیفری ویژه بوده است؛ چراکه تشکیل مجدد چنین دادگاهی به‌رغم وجود دیوان، یک ارتجاع و بازگشت به گذشته خواهد بود.

با این‌همه، ضعف دیوان کیفری بین‌المللی در تعقیب عوامل داعش مشاهده شد که موجب بی‌کیفری اعضای داعش خواهد شد. شاید لازم است تا جامعه بین‌المللی برای جبران خلأ قانونی ناشی از عدم صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، مبادرت به ایجاد دادگاه بین‌المللی ویژه برای رسیدگی به جنایات داعش نماید (روحانی و سلطان‌قیس، ۱۳۹۶: ۲۷).

علاوه بر این، تأسیس یک محکمه کیفری مختلط در سوریه بستر ساز مقابله با بی‌کیفری و اجرای عدالت در فقدان محاکمه در دادگاه‌های داخلی سوریه و دیوان خواهد بود. یکی از ویژگی‌های این محاکم ترکیب قضات و پرسنل ملی و بین‌المللی است؛ به شکلی که قضات و مشاوران بین‌المللی می‌توانند در کنار کارمندان داخلی کار کنند. درواقع مشارکت قضات بین‌المللی نه تنها باعث می‌شود که قضات این دادگاه در فرض تشکیل از درجه تخصص بیشتری برخوردار باشند، بلکه سبب می‌شود رعایت اصل بی‌طرفی در دادرسی بهتر تضمین گردد.

نتیجه‌گیری

آنچه در راستای پیشگیری، مقابله و سرکوب کلیه اشکال و گونه‌های جنایات تروریستی در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد، اتخاذ سیاست کیفری اصولی در مواجهه با این پدیده ضد بشری است. از این حیث، کنترل جنایات تروریستی به جهت فقدان شناخت کافی از حیث ماهیت و همچنین نتایج ناشی از عدم ارائه تعریفی حقوقی و موردپذیرش جامعه بین‌الملل، دشوار به نظر می‌رسد؛ بنابراین، لازم است در ابتدا دولت‌ها برای پیشگیری و مبارزه اثربخش در مواجهه با جنایات تروریستی (به‌ویژه جنایات تروریستی داعش) در قوانینی داخلی خود تدابیر جدیدی را اتخاذ نمایند و سپس برای مقابله ثمربخش با اقدامات مزبور نسبت به تدوین و تصویب اسناد بین‌المللی مؤثر همت گمارند.

استمرار آزادی عمل گروه داعش به لحاظ نبود واکنش بین‌المللی هماهنگ و مبتنی بر حاکمیت قانون هرچند آمیخته با مسائل بغرنج سیاسی و امنیتی است، اما یک نگرانی عمده برای چشم‌انداز حقوق بین‌المللی و حاکمیت قانون در منطقه خواهد بود؛ از این رو، جامعه حقوقی می‌تواند با استفاده مناسب از ظرفیت‌های موجود در نظام حقوق بین‌المللی به آسیب‌شناسی، اصلاح و بازنگری هنجارها، جلب نماید.

ائتلاف میان حقوق‌دانان و به‌کارگیری ظرفیت‌های دکرترین حقوقی در تکمیل و اصلاح قواعد و اصول متقن حقوق بین‌المللی و برقراری ارتباط قواعد موجود به قواعد متناسب و مطلوب، نتایج مناسبی از سازوکارهای جامعه حقوقی است که نشان می‌دهد این قشر از نخبگان با حفظ موقعیت پیشرو در قاعده سازی بین‌المللی، می‌توانند ایجاد مسیر سازگار با اهداف صلح جهانی و بایسته‌های کرامت انسانی در رویارویی با پدیده‌هایی باشند که ساختارهای رسمی بین‌المللی به دلیل ملاحظات سیاسی و امنیتی، از کنش مناسب در قبال آن‌ها ناتوان مانده‌اند.

پیگیری ابعاد حقوق کیفری مقابله با تروریسم و نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه نیز هرچند آستانه بالایی از هم‌گرایی و توافق در جامعه بین‌المللی را نیاز دارد، اما از مسائل اولویت‌دار در تأمین صلح و امنیت بین‌المللی و مقابله با جنایات تروریستی گروه داعش به نظر می‌رسد. انتظار می‌رود که شبکه سازمان‌های مردم‌نهاد مرتبط با صلح، حقوق بشر و بشردوستانه و همچنین نخبگان، رسانه‌ها و مجامع حرفه‌ای، مسیر ادراک جهانی از تروریسم در منطقه و ماهیت تروریستی گروه داعش را تسهیل نموده، ائتلاف‌های مدنی و نخبگی برای برقراری صلح و مقابله با تروریسم را در سطح جهانی پیگیری نمایند.

منابع

- ۱- آقایی جنت‌مکان، حسین و سیدمحمدجعفر قریشی (۱۳۹۲)، «سازوکارهای حقوقی کیفری بین‌الملل برای محاکمه تروریست‌های تکفیری در سوریه»، سیاست خارجی، شماره ۴.
- ۲- ایرانی، محمد (۱۳۹۳)، «داعش و القاعده»، معارف، شماره ۱۰۳، خرداد و تیر.
- ۳- بوجاری، مسعود (۱۳۹۳)، «لزوم محاکمه حامیان داعش در دادگاه‌های بین‌المللی»، روزنامه حمایت، بیست و سوم شهریور.
- ۴- صابر، محمود و ولی‌الله صادقی (۱۳۹۲)، «آموزه‌شناسی مسئله صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به تروریسم»، تعالی حقوق، شماره ۴.
- ۵- عمادی، سید رضی (۱۳۹۳)، «آشنایی با گروه تروریستی داعش»، صف، شماره ۳۹۹، تیر.
- ۶- عباس‌زاده‌فتح‌آبادی، مهدی (۱۳۸۹)، «القاعده پس از ۱۱ سپتامبر (با تأکید بر عراق)»، سیاست، شماره ۲.
- ۷- فیروزی، سعید (۱۴۰۰)، «بررسی تطبیقی سبک جنگجویی مغولان و نبردهای معاصر (داعش)»، مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر، شماره ۵.
- ۸- فهیم‌دانش، علی (۱۳۹۳)، «امکان مقابله حقوقی با جنایات داعش»، خبرگزاری تحلیلی ایران (خبرآنلاین)، <http://www.khabaronline.ir/detail/409751/World/middle-east>.
- ۹- حاجی‌علی، فریبا و زهراسادات خالصی‌نژاد (۱۳۹۳)، «تکفیر و آثار اخلاقی و اجتماعی آن»، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)، شماره ۳۶.
- ۱۰- حسینی، رسول (۱۳۹۳)، «علل و ریشه‌های افراطی‌گری در خاورمیانه (مطالعه موردی: داعش)»، مجموعه مقالات اولین کنفرانس جهان علیه افراطی‌گری و خشونت، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۱۱- خشن، حسین‌احمد (۱۳۹۰)، اسلام و خشونت (نگاهی نو تکفیر و آثار اخلاقی و اجتماعی آن به پدیده تکفیر)، ترجمه موسی دانش، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۱۲- روحانی، کارن و سلطان‌قیس، فرید (۱۳۹۶)، «عملکرد داعش از دیدگاه حقوق اسلامی و حقوق بین‌الملل بشردوستانه»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۴.
- ۱۳- زمانی، سیدقاسم (۱۳۹۴)، «ماهیت حقوقی داعش در حقوق بین‌الملل: دولت یا بازیگر غیردولتی»، دولت پژوهی، شماره ۱.

- ۱۴- ساعد، نادر (۱۳۹۳)، «قطعه‌نامه جدید شورای امنیت و ناکامی آمریکا»، به آدرس الکترونیکی: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930841>
- ۱۵- ساعدی، بهمن، علیرضا آرش‌پور و عبدالرضا فرزانی نسب (۱۳۹۹)، «مخاصمه مسلحانه عراق: تحلیل اقدامات ارتكابی داعش از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری»، مطالعات حقوق عمومی، شماره ۲.
- ۱۶- سلیمی ترکمانی، حجت (۱۳۹۸)، «مسئولیت بین‌المللی اقدامات داعش در عراق»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۶۱.
- ۱۷- عبداللهی، محسن (۱۳۹۳)، میزگرد علمی «بررسی جنایات گروه تکفیری داعش در عراق و سوریه از منظر موازین حقوق بین‌الملل و اندیشه اسلامی»، کمیسیون حقوق بشر اسلامی، تیرماه.
- ۱۸- دلخوش، علیرضا (۱۳۹۳)، «حمایت مالی و نظامی دولت‌ها از گروه تروریستی داعش از منظر حقوق بین‌الملل»، ر.ک سایت باشگاه خبرنگاران، بخش سیاست خارجی: <http://www.yjc.ir/fa/news/5019425/>
- ۱۹- کوشا، سهیلا (۱۳۹۷)، «پیشگیری و مقابله با حملات تروریستی داعش در حقوق بین‌الملل»، مطالعات حقوق عمومی، شماره ۴.
- ۲۰- گودرزی، هادی (۱۳۹۳)، «رویکرد دوگانه غرب در مواجهه با تروریسم با تأکید بر گروه تروریستی داعش»، اندیشکده راهبردی تبیین.
- ۲۱- مجمع جهانی صلح اسلامی (۱۳۹۳)، «مقابله با گروه‌های تروریستی در منطقه (به‌ویژه داعش) در پرتو گفتمان راهبرد حقوقی بین‌المللی علیه تروریسم»، گروه رصد و آینده پژوهی صلح و عدالت در جهان، گزارش راهبردی، تیرماه.
- 22- Abi-Habib, Maria (2014), "Iraq's Christian Minority Feels Militant Threat", The Wall Street Journal, Retrieved 6 July 2014.
- 23- Annan, Kofi (2003) at: www.ohchr.org/English/issues/terrorism/index.htm. Australia Government (2004) Transnational Terrorism: The Threat to Australia: www.dfat.gov/publication/terrorism
- 24- Anderson, Kenneth (2009), "The Rise of International Criminal Law: Intended and Unintended Consequences", The European Journal of International Law, Vol. 20, No. 2.
- 25- Bagheri, Saeed (2021), International Law and the War with Islamic State: Challenges for Jus ad Bellum and Jus in Bello, Bloomsbury Publishing.
- 26- Bulos, Nabih (2014), "Islamic State of Iraq and Syria aims to recruit Westerners with video", Los Angeles Times, Retrieved 23 June.

- 27- Casey, Mary Joshua Haber (2014), "Rebel factions continue fight against ISIL in Northern Syria", Foreign Policy, Retrieved 7 January.
- 28- John-Hopkins, Michael (2017), Extrapolation of Criminal Law Modes of Liability to Target Analysis under International Humanitarian Law: Developing the Framework for Understanding Direct Participation in Hostilities and Membership in Organized Armed Groups in Non-International Armed Conflict Get access Arrow, Journal of Conflict and Security Law, Volume 22, Issue 2, Summer.
- 29- Gambill, Gary (2004), "Abu Musab Al-Zarqawi: A Biographical Sketch", Terrorism Monitor 2 (24): The Jamestown Foundation, Archived from [the original](#) on 30 September 2007, Retrieved 30 July.
- 30- Lambert, H. (2017). Temporary Refuge from War: Customary International Law and the Syrian Conflict. International and Comparative Law Quarterly, Vol. 66, No. 3.
- 31- McCoy, Terrence (2013), "ISIS, beheadings and the success of horrifying violence", The Washington Post, Retrieved 23 June.
- 32- Muthukumar, Janakan (2020), What is the standing of ISIS under international law?: Examining the Islamic State's locus of political authority, June 18, <https://natoassociation.ca/what-is-the-standing-of-isis-under-international-law-examining-the-islamic-states-locus-of-political-authority/>
- 33- Ogunnowo, Oluwaseyi Emmanuel and Felix Chidozie (2020), International Law and Humanitarian Intervention in the Syrian Civil War: The Role of the United States, SAGE Open, April-June, <https://journals.sagepub.com/doi/pdf/10.1177/2158244020919533>
- 34- Ferran, Lee; Momtaz, Rym(2014), "ISIS: Trail of Terror". ABC News, Retrieved 14 September.
- 35- Ford, S. R. (2019), The Syrian Civil War: A New Stage, but is it the Final One?, (Policy Paper 2019-8). Middle East Institute.
- 36- Rothkopf, Ilana (2019), International Humanitarian Law and Non-State Practice in Armed Conflict: Combatant's Privilege and Kurdish Fighters in Syria Get access Arrow, Journal of Conflict and Security Law, Volume 24, Issue 2, Summer.
- 37- Sly, Liz, "Al-Qaeda disavows any ties with radical Islamist ISIS group in Syria, Iraq", The Washington Post, Retrieved 06-14
- 38- Scharf, Michael P., Milena Sterio and Paul R. Williams (2020), Use of Force in Self-Defense against Non-State Actors, in: The Syrian Conflict's Impact on International Law, Published online by Cambridge University Press: 17 March.
- 39- Van der Vyver, Johan D. (2016), The ISIS Crisis and the Development of International Humanitarian Law, Emory International Law Review, Vol. 30, No. 4.